

تحلیلی بر بازنمود «رب» در ترجمه‌های روسی قرآن کریم

زهرا حیدری آبروان*

شهرام همت زاده**

چکیده

جایگاه «رب» در میان اسامی خداوند، بسیار محوری است، زیرا هم دچار چندمعنایی بوده و می‌تواند بر بسیاری از صفات الهی دلالت کند که این مسأله مترجم را دچار مباحث گزینشی خواهد نمود، و هم در مفهوم غیرالهی در برخی آیات قرآن مورد استفاده قرار گرفته است. این کاربرد در وجه غیرالهی در زبان‌هایی مانند روسی، مخاطبان بعضاً تازه‌مسلمان با پیش‌زمینه‌های غیرتوحیدی را دچار مسائل عقیدتی خواهد کرد. بر همین اساس، مسأله پژوهش چنین تعریف شده است: چالش‌های ترجمه واژه «رب» و راه حل آن چیست و آیا بازنمود صحیحی از این واژه در ترجمه‌های روسی قرآن کریم صورت گرفته است؟ پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به نحوه ترجمه این واژه پرداخته و رهاورد پژوهش آن بوده است که استفاده از سیاق در سه سطح، بهترین روش برای دستیابی به مفهوم این واژه و موارد مشابه آن در بحث چندمعنایی است که البته هیچیک از مترجمان روسی قرآن بدان توجه نداشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: ترجمه‌های روسی قرآن، رب، عثمانف، زینالف، کراچکوفسکی، پروخووا

* دانشجوی دکتری دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده الهیات، گروه علوم قرآن و حدیث،
zahra.heidary@mail.ru

** استادیار گروه زبان روسی، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)
email2hemmatzadeh@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۰۷

۱. مقدمه

واژه «رب» در شبکه معنایی اسامی پروردگار جایگاهی بنیادین را داراست؛ چرا که از یک سو در برخی آیات به عنوان اسم خداوند به کار گرفته شده است و بر این اساس با مفاهیم توحیدی ارتباط مستقیم دارد و از سوی دیگر در برخی ترکیب‌های دستوری آیات برای مفهوم غیرالهی استفاده گردیده و با حوزه معنایی شرک در ارتباط است. این دوگانگی کاربرد و نیز چندمعنایی واژه، هنگامی ارزش پی‌جویی بیشتری می‌یابد که مترجم قرآن بخواهد آن را برای مخاطبینی بازگردانی کند که از صبغه‌های دینی اسلام برخوردار نبوده و در جوامع غیرمسلمان رشد یافته و از تازه مسلمانان باشد، بخصوص اگر پیش زمینه فکری و عقیدتی از برخی مفاهیم غیرتوحیدی کتب مقدس نیز داشته باشند. لذا پرداختن به نظام معنایی واژگانی از این دست در قرآن کریم اهمیت خاص داشته و بر محققین مسلمان مفروض است که ترجمه‌های قرآن برای جوامع غیرمسلمان را به سوی بهترشدن سوق دهند.

در نگاه به پیشینه دو نوع پژوهش را درباره این واژه می‌توان دید. نخست پژوهش‌های متقدمان اعم از لغویان، مفسران و متکلمان است که طیف گسترده‌ای از دانشمندان را دربر گرفته و ماحصل آن، بررسی این واژه از هریک از ابعاد لغوی تفسیری و کلامی است که در اثنای پژوهش به برخی از آن‌ها اشاره شده است. دوم پژوهش‌های معاصر است که از دو جنبه: بررسی ریشه‌شناختی واژه به نگارش درآمده است (شیرزاد و همکاران، چندمعنایی ریشه‌های «رب و/رب ب» در قرآن کریم، مجله پژوهش‌های ادبی قرآنی، سال پنجم، شماره دوم، ۱۳۹۶؛ خوانین زاده، معناشناسی تاریخی واژه «رب»، پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، سال چهارم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، صص ۷۷-۱۲۰) و دیگری بررسی مفهومی واژه رب است (خوانین زاده و نجارزادگان، بازخوانی دیدگاه‌های دانشمندان مسلمان در معنا و اشتقاق «رب»، مطالعات قرآن و حدیث، سال هشتم، شماره اول، ۱۳۹۳، صص ۳۳-۶۷؛ و نیز نک: کردنژاد، معناشناسی واژه رب، مجله علمی-تخصصی حسنا، بهار ۱۳۸۹، ش ۴). اما با توجه به اینکه مسأله این پژوهش نحوه ترجمه این واژه به عنوان یکی از اسامی خداوند در دو وجه توحیدی و غیرتوحیدی است و این که آیا تنها استفاده از معادل «خداوند» کافی بوده و مترجمان روس به درستی توانسته‌اند تمایز میان این دو وجه را برای مخاطب خود بازنمایانند؟ لذا تمایز این جستار با پژوهش‌های پیشین افزون بر پرداختن خاص تنها به واژه «رب» و نه سایر مشتقات آن، توجه به نحوه ترجمه این واژه و

نیز نگرش به زبانی غیر از زبان فارسی به دلیل بررسی ظرفیت‌های زبانی موردنیاز در ترجمه برای جوامع غیرمسلمان است. بر همین اساس روش پژوهش تحلیل مبتنی بر داده‌های قرآنی است که بخشی از نکات موردنیاز در مباحث ریشه‌ای از خلال آثار پژوهشی معاصر به دست آمده است. همچنین ابتدا ذکر برخی مباحث پیشینی مهم دانسته شد و پس از آن دو وجه ذکرشده برای واژه «رب» مورد بررسی قرار گرفت. در وجه توحیدی تمرکز بر بحث چندمعنایی «رب» و نحوه انتخاب بهترین معنا بوده که دو محور «رب» در ترکیب هم‌نشینی و «رب» در ترکیب جانیشینی دو بخش اصلی این مبحث می‌باشد و در بخش غیرتوحیدی، مبحث اصلی بررسی قسمت دوم آیه ۴۲ بوده است که پرچالش‌ترین بخش ترجمه «رب» در کاربرد وجه غیرتوحیدی خود در قرآن است.

۲. مباحث پیشینی

۱.۲ مفهوم‌شناسی واژه رب

واژه رب در قرآن کریم «رب»، ۹۷۱ بار به کاررفته است (عبدالباقی، ۱۳۸۶: ۳۶۲-۳۸۰). این واژه به لحاظ ریشه‌کاوی از ریشه رب ب است که پس از طی چندین مرحله تطور معنایی به مفاهیمی مختلفی همچون بزرگ، زیاد، رییس و اقتدار دلالت دارد (نک: شیرزاد و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۹-۱۱۳). برخی پژوهشگران معتقدند این واژه در سه طیف لغویون، مفسران و متکلمان باید بررسی شود و هریک از این گروه‌ها، بازخوانی خاص خود را از واژه رب دارند (نک: خوانین زاده و نجارزادگان، ۱۳۹۳: سراسر اثر).

در وجه اسمی این واژه برخی از عالمان لغوی مسلمان معنای آن را مالک دانسته‌اند (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۲۵۶/۸؛ ازهری، ۲۰۰۱: ۱۲۸/۱۵؛ جوهری، ۱۴۰۷: ۱۳۰/۱) اما برخی دیگر همچون شیخ طوسی مفهوم رب را به پرورش‌دهنده نزدیک دانسته که به شئون مربوط خود اتمام دارد و مراتب رسیدن او به کمال را فراهم می‌سازد (طوسی، بی‌تا: ۳۱/۱) و البته راغب نیز به این معنا متمایل است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۳۶). از سویی دیگر برخی همچون ابن‌منظور و ابن‌سیده معنای رب را سرور، مدبر و منعم برشمرده‌اند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۳۹۹/۱؛ ابن‌سیده، ۱۴۱۷: ۲۲۷/۵) و برخی مفسران وجوه دیگری از شئون خداوند همچون «معبود»، «صاحب» و «خالق» را در ذیل معنای واژه برشمرده‌اند (ابن

عطیه، ۱۴۲۲: ۶۷/۱؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰: ۳۳/۱؛ و از مفسران شیعی: قمی، ۱۳۶۷: (۲۸/۱).

مطابق با آنچه گفته شد، در بررسی کتب لغوی و تفسیری، به نظرمی‌رسد برای هر معنای فعلی یک وجه اسمی نیز برشمرده شده است. به عنوان مثال هنگامی که برای ریشه «ربب»، معنای أصلح/یصلح بیان می‌شود (أزهري، ۱۹۶۷: ۱۷۷/۱۵) برای واژه رب که صورت اسمی این ریشه ثلاثی فعلی است معادل مُصلح بیان می‌گردد (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳۸۱/۲). بر این اساس اکثریت معانی ذکر شده برای ریشه «ربب» تاحدودی برای صورت اسمی آن قابل ذکر بوده و معانی صورت فعلی و اسمی این ریشه قابل جمع هستند که البته این تلاش را در اثر ابن فارس به وضوح می‌توان مشاهده نمود (نک: همان: ۳۸۱-۳۸۳). اگرچه از نگاه مصطفوی بن مایه و بستر اصلی تمام معانی اسمی و فعلی این ریشه بر بهبود و حرکت به سوی کمال دلالت دارد و بنابر محل مورد استفاده معانی ثانویه از آن ساخته می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۸/۴).

۲.۲ سیاق سه سطحی

در تعریف معنای سیاق نگارش‌های متعددی صورت گرفته که هریک از زاویه‌ای بدان پرداخته است (از جمله نک: حسینی، ۱۴۰۰: ۱۲۵؛ بنجمی و هریسی، ۱۳۶۱: ۵۱؛ رجبی، ۱۳۹۰: ۸۶). برای مثال شهید صدر به عنوان اولین تعریف‌کننده، سیاق را هرنوع دلیلی می‌داند که به فهم الفاظ مورد پژوهش گره خورده است، خواه از گونه قرائن لفظی باشد و یا قرائن حالی که در تبیین مفاد و موضوع لفظ مورد بحث نقش دارد از مقوله سیاق است (صدر، ۱۹۷۸م: ۱۳). این تعریف مورد پذیرش این جستار نیز هست با این تفاوت که سیاق قرآنی از منظر نگارندگان «مفهوم محوری کلام» است که ظاهر لفظ مستدل آن است. این تعبیر البته موضوع جدیدی نیست و در تفسیر بزرگ المیزان رگه‌هایی از مبنا قرار گرفتن مفهوم محوری کلام تحت عنوان سیاق بارها مورد استفاده قرار گرفته و بدان اشاره شده است. همچنین در برخی پژوهش‌های انجام گرفته در خصوص واژگان قرآنی، مفهوم محوری کلام در سطح آیه و آیات با عنوان سیاق یاد شده است (نک: پاکتچی، ۱۳۹۰)، ریشه‌شناسی واژه قیوم، مطالعات قرآن و حدیث، سال پنجم، شماره اول؛ اما تفاوت اثر حاضر با این پژوهش‌ها باور به بروز و ظهور سیاق در ۵ سطح است: ۱- سیاق واژه. ۲- سیاق آیه. ۳- سیاق گروه آیات (مجموعه آیات پیشینی و پسینی). ۴- سیاق در سوره. ۵-

سیاق در کل قرآن. هر چند عمده بحث سیاق در سه سطح اول خلاصه می‌شود و سطح چهارم و پنجم بیشتر حکم موید برای سه سطح مذکور هستند. به عبارت دیگر اگر واژه مورد پژوهش تک‌معنا بود، پس از تعیین مفهوم محوری واژه، سیاق در چهار سطح دیگر بر اساس آن بررسی می‌گردد تا آن را تأیید کند و اگر دو یا چند معنا (که می‌تواند اشتراک لفظی را نیز در بر بگیرد) توجه به بستر معنایی در کنار سیاق کمک‌کننده خواهد بود. لذا اگر شبکه معنایی سیاق به درستی بررسی گردد، تا حد زیادی قادر خواهد بود به عنوان دلیلی محکم قابل استفاده باشد. نکته مهم دیگر آن که کاربرد این پنج سطح سیاقی برای فهم، لزوماً خطی و به ترتیب نیست و بسته به جایگاه لفظ و مفهوم محوری آن می‌توان از دو یا سه یا همگی این ۵ سطح استفاده کرد که در این پژوهش بر سه سطح آن تأکید شده است.

۳.۲ ترجمه‌های روسی قرآن

ترجمه روسی قرآن کریم یکی از انواع ترجمه‌های این کتاب آسمانی است که به دلیل پیدایش گرایش به خواندن قرآن به زبان بومی در میان مردمان مناطق مسلمان‌نشین روسیه در دهه‌های نخست قرن ۱۴ ق صورت پذیرفت (پاکتچی، ۱۳۹۲: ۸)، و شاید این مسأله یکی از اصلی‌ترین انگیزه‌های ترجمه قرآن به زبان روسی بوده است. گفته می‌شود آشنایی با قرآن به طور خاص در روسیه، در سده ۱۸م آغاز شد، هنگامی که به ابتکار پتر کبیر یکی از شخصیت‌های فرهنگی مشهور در آن زمان که پیوتر واسیلی‌ویچ پوسنیکوف نام داشت، نخستین ترجمه از قرآن کریم را انجام داده و در سال ۱۷۱۶م با نام «قرآن محمد» یا «قانون عثمان» نام گرفت. با این وجود، ترجمه‌ی وی به دلیل بازگردانی از زبان فرانسه، چندان موفق و مورد استقبال نبود. هر چند به نظرمی‌رسد امر ترجمه قرآن به زبان روسی، اثرات مثبتی داشته و در کمترین وجه موجب آشنایی بلاواسطه‌ی مخاطبان روس زبان با کتاب مسلمانان بوده است (شجاعی، ۱۳۹۰: ۶۹). در میان ترجمه‌های مختلف قرآن به زبان روسی که شاید بتوان ادعا نمود اکثریت ایشان وام‌گرفته از ترجمه فرانسوی قرآن است، ایگناتی یولیا نوویچ کراچوفسکی (۱۸۸۳-۱۹۵۱م) از معدود مترجمانی است که با زبان عربی آشنایی داشته و در مقطعی تقریباً تمام قرآن را در قالب دروس دانشگاهی تدریس نموده و نتیجه آن نسخه منحصر به فرد ترجمه او از قرآن کریم است که ترجمه‌ای قابل قبول در محافل خاورشناسی و اسلام‌پژوهی روس زبانان به شمار می‌آید. پس از وی و در سالهای پس از فروپاشی شوروی، ترجمه‌های بسیاری از قرآن کریم انجام گرفت که همگی در ویژگی

مسلمان بودن مترجم آن مشترک بودند (شجاعی، ۱۳۹۰: ۷۴). از جمله ترجمه‌هایی که توسط مسلمانان انجام گرفته ترجمه‌ی نوری عثمانف و والریا پروخووا است. نوری عثمانف اصالتاً اهل داغستان در جنوب غرب فدراسیون روسیه است که در ترجمه قرآن به همراه گروه خود سعی در ارائه ترجمه‌ای متناسب با معانی قرآنی نموده است (پاکتچی، ۱۳۷۶: ۱۲۱) ترجمه دیگر مورد استفاده در این پژوهش از آن والریا پروخووا است که با اندکی دقت در نوع عبارات مورد استفاده در ترجمه قرآن وی، می‌توان هماهنگی و شباهت بسیاری میان ترجمه او و کراچوفسکی مشاهده نمود که این امر نشان‌دهنده ارادت وی به ترجمه‌ی کراچوفسکی بوده و در مواردی همچون ترجمه آیات مورد بحث در این پژوهش اشتباهات ایشان در ترجمه را تکرار نموده است. ترجمه دیگر ترجمه ناظم زینالف است که در سالهای اخیر به چاپ رسیده است. جاذبه بررسی ترجمه وی از آن روی شکل گرفته است که افزون بر شیعه‌بودن؛ در ایران تحصیلات عالی خود را به پایان رسانده و نیز ترجمه قرآن او به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۱۶ انتخاب شد و در ابعادی گسترده به انتشار آن اقدام گردید. افزون بر آن وی متاخرترین ترجمه را به جامعه روس زبانان تقدیم کرده است و تصریف‌ها و گزینش‌های واژگانی وی، نزدیکی زیادی به زبان روسی معاصر دارد و نقد و بررسی آن، می‌تواند میزان رسابودن استفاده از زبان روسی معاصر در ترجمه قرآن را نشان دهد؛ و در تثبیت این نتیجه موثر خواهد بود که ترجمه‌های قرآن همواره نیازمند به روزگردانی به ویژگی‌های عصری هر زبانی است.

۳. وجوه معنایی و بازنمودها

همانطور که پیش‌تر ذکر گردید برای واژه رب در قرآن کریم دو وجه معنایی می‌توان ذکر کرد که یکی ذکر این نام برای خداوند و دیگری برای غیرخداوند است و البته چندمعنایی ویژگی مهم این واژه است که در هر دو وجه باید بررسی گردد. برای وجه توحیدی، دو صورت قابل ذکر است: ۱- رب در ترکیب هم‌نشینی ۲- رب در ترکیب جانشینی؛ که در ادامه به بررسی هریک و نحوه معادل‌یابی آن با استفاده از سیاق و نیز ذکر معادل روسی آن و نقد ترجمه‌ها پرداخته شده است. برای وجه غیرتوحیدی مواردی بررسی شده است که عدم توجه به سیاق، ایجاد فهم ناقص کرده است.

۱.۳ وجه معنایی توحیدی

همانطور که در ذیل معانی واژه «رب» مشاهده گردید تنوع معنایی برای این واژه بسیار زیاد است تا حدی که امکان جمع میان تمامی آن‌ها وجود ندارد. اما پرسش اصلی این است که آیا مترجم تنها باید از معادل خداوند استفاده کند یا این اجازه را دارد که هر یک از معانی را به فراخور کاربرد در ترجمه به کار ببرد؟ و اگر مجاز به کاربرد هر یک از این معانی است بر چه اساسی معادل انتخابی خود را برگزیند؟ به نظر می‌رسد اگر بررسی‌های مترجم در ذیل این واژه بر اساس نظر مصطفوی که بن‌مایه اصلی «رب» را حرکت به سوی کمال دانسته که سازنده معانی ثانویه این واژه است (نک: مصطفوی، پیشین) صورت گیرد، بهترین راهکار برای انتخاب بهترین معنای ثانویه برای واژه رب به هنگام ترجمه، بررسی سیاقی در سه سطح است تا مشخص شود از میان معانی ده‌گانه (برای مشاهده معانی ده‌گانه این ریشه رک: خوانین زاده و نجارزادگان، ۱۳۹۳: صص ۳۷-۴۳) چه صورت اسمی در زبان روسی به عنوان معادل باید مطرح گردد. هر چند از سخنان سایر لغویان نیز چنین برمی‌آید که در وجه توحیدی هر کدام از معانی «رب» اشاره به یکی از صفات الهی است. چراکه خداوند هم مالک است و هم مدبر و هم منعم و معبود و تمامی این معانی در ذیل واژه اشاره شده است.

۱.۱.۳ رب در ترکیب هم‌نشینی

مجموعاً در ۴۱ آیه از قرآن کریم واژه «رب» در ترکیب با اسم جلاله الله بیان شده است. ۶ مورد «رب» پیش از واژه الله قرار دارد (غافر ۲۸؛ اعراف ۵۴؛ یونس ۳؛ حج ۴۰؛ فصلت ۳۰ و احقاف ۱۳) و ۳۶ مورد «رب» پس از نام جلاله الله و در ترکیب‌های مختلف بیان شده است (از جمله: آیات ۲۸ مائده؛ اعراف ۵۴، ۸۹، ۱۸۹؛ انعام ۲۳؛ ...). و ترکیب سیاقی هر دو ترکیب: رب+الله و الله+رب چنین بوده است:

الف: رب پیش از الله

واژه الله به عنوان نام جلاله خداوند ذکر شده است (نک: فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۴: ۹۱). ریشه آن را إله می‌دانند که بر سر آن ال آمده و با حذف همزه إله، و ادغام در ال به صورت الله درآمده است (أزهری، ۱۴۲۱: ۲۲۲/۶؛ صاحب، ۱۴۱۴: ۴/۶۴؛ راغب، ۱۴۱۲: ۱/۸۲). همچنین اسم علم خداوند دانسته شده که حتی پیش از اسلام نیز به همین صورت استعمال می‌شده است. از جمله ادله برای این سخن آن است که خدای تعالی به تمامی اسماء

حسنای خود و افعالی که از این اسماء گرفته شده، توصیف می‌شود ولی با کلمه (اللّه) توصیف نمی‌شود، یعنی می‌توان گفت اللّه رحمان یا رحیم است، ولی نمی‌توان گفت رحمان این صفت را دارد که اللّه است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱/ ۳۰). لذا برای واژه الله از آن رو که همواره برای خداوند متعال استفاده شده و اسم علم است باید به همان شکل علم خود در ترجمه لحاظ شده و از وام‌واژگانی است که نباید ترجمه شود. بر این اساس تمرکز سیاق آیه و سیاق دسته آیات بر روی محوریت «رب» خواهد بود که به کدام ویژگی «الله» اشاره دارد.

سیاق آیه ۲۸ سوره غافر «وَقَالَ رَجُلٌ مُّؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَ تَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ...» در خصوص ایمان شخصی است که الله را به عنوان معبود خود برگزیده است. سیاق آیات ۲۳ تا ۳۵ این سوره که بر مفهوم محوری داستان حضرت موسی (ع) حرکت می‌کند درباره تکبر فرعون که خود را معبود می‌داند و دفاع مومن آل فرعون از حضرت موسی است. آنچه در سیاق آیه مشخص است به وجهی از رب بودن خداوند اشاره دارد که فرعون در مقابل آن را برای خویش خواهان است که همانا مورد پرستش قرار گرفتن توسط مردم است و از همین رو حضرت موسی او را متکبر می‌خواند (نک: آیات ۲۶ و ۲۷ سوره). به نظر می‌رسد سیاق این دسته آیات جاگذاری واژه معبود را تأیید می‌کند چرا که عبادت‌شدن، وجهی از شأن خداوندی «الله» است که در آیه مورد اشاره قرار گرفته و بیانگر تقابل دو سویه میان معبود واقعی یعنی «الله» و معبود دروغین یعنی فرعون است. بنابراین ترجمه عبارت «أ تَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ...» به این سبب که: آیا مردی را به قتل می‌رسانید که می‌گوید معبود من الله است و برایتان دلیل آورده است؟ به مفهوم محوری آیه نزدیک‌تر است. زیرا اشاره به این نکته دارد که صرف این که شخصی بگوید من فلانی را پرستش می‌کنم نباید موجب قتل او شود بخصوص که برای کار خود دلیل هم آورده است. بر همین اساس استفاده از معادل روسی «Господь» که کراچکوفسکی، عثمانف و زینالف استفاده کرده‌اند (کراچکوفسکی، ۱۹۹۰، ذیل آیه؛ عثمانف، ۱۹۹۵؛ زینالف، ۲۰۱۵، ۴۷۰) یا «Владыка» که پروخووا استفاده کرده (۲۰۰۸، ذیل آیه) صحیح نیست و باید معادل روسی «ПОКЛОНЯЕМЫЙ» (معبود در معنای مورد عبادت واقع شده) ذکر شود.

سیاق آیه ۵۴ سوره اعراف «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُعْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ أَلَا

لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» یا همان مفهوم محوری آیه بحث از خلقت است. البته سیاق آیات ۵۲ تا ۵۸ که این آیه در دسته مذکور قرار گرفته است مجموعه اوامری در بهره‌گیری از رحمت و اسعه الهی است که هم از کتاب نازل شده برای مردم یعنی قرآن قابل دریافت است (آیه ۵۲) و هم راه تضرع و خوف الهی، و عدم فساد در زمین موجب جلب این رحمت می‌شود (آیه ۵۵-۵۶)؛ اما به تعبیر علامه طباطبایی ذکر و جوهی از خلقت خداوند نیز اشاره به رحمت الهی دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۸/ ۱۴۸) اما از آن رو که سیاق آیه برای ترجمه به دلیل استناد بیشتر، بر سیاق دسته آیات ارجحیت دارد لذا مفهوم محوری آیه تعیین کننده واژه خالق برای «رب» است که حضور فعل «خَلَقَ» و اسم «خَلَقَ» نیز مویدی بر این معناست و ترجمه پیشنهادی برای این واژه و عبارت این است: «به راستی خالق شما الله است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز خلق کرده...». این مفهوم البته مورد توجه هیچ‌یک از مترجمان روسی قرار نگرفته است (نک: کراچکوفسکی، ۱۹۹۰، ذیل آیه؛ عثمانف، ۱۹۹۵؛ پروخووا، ۲۰۰۸، ذیل آیه؛ زینالف، ۲۰۱۵، ۱۵۷) و معادل «Господь» را به کار برده‌اند در حالی که باید از واژه «творитель» به عنوان خالق استفاده می‌شده است. سیاق آیه ۳ یونس: «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ...» نیز همچون آیه پیشین بر محوریت خالق بودن خداوند بوده و موید آن در آیه بعد با عبارت «إِنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ...» آمده است. و البته طبق مطالب قبل مترجمان روسی قرآن باز هم به سیاق و معنایی که برای «رب» باید ذکر شود توجه نداشته‌اند.

سیاق آیه ۴۰ سوره حج ترکیب دیگری از هم‌نشینی «رب» و «الله» بیان کرده است: «الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ... إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» که چه در سیاق آیه و چه در سیاق دسته آیات به یاری‌رسانی خداوند به مومنان مورد ظلم اشاره دارد. در سیاق آیه با قرائن لفظی «دَفَعُ اللَّهُ»، «لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ» و «لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» بر این امر تاکید شده است. در سیاق آیات همجوار نیز عبارات «إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ...» در آیه ۳۸، «إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» در آیه ۳۹ و «مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ» در آیه ۴۱ مؤیدات دیگری بر یاری‌رسانی پروردگار هستند. لذا در سیاق آیاتی که همگی بر دفاع از مظلوم توسط خداوند دلالت دارد، نمی‌توان به وجه یاری‌گری پنهان در واژه رب بی‌توجه بود. قریب به این معنا را نیز ازهری در اثر خود با عبارت «قام به / علیه یقوم» برای «رب» بیان کرده است (ازهری، ۱۹۶۷: ۱۵/ ۱۷۹). مترجمان روسی قرآن نیز همچون آیات پیشین ذکر شده بی‌توجه بوده و تنها از معادل‌های «Господь» (کراچکوفسکی، ۱۹۹۰، ذیل آیه؛ عثمانف، ۱۹۹۵؛

زینالف، ۲۰۱۵: ۳۳۷) و «БОГ» استفاده کرده‌اند (پروخووا، ۲۰۰۸، ذیل آیه) در حالی که هم‌ارز صحیح در برابر واژه «رب» در معنای یاری کننده در سیاق این آیه «ПОМОЩНИК» است.

سیاق آیه ۳۰ فصلت و آیه ۱۳ احقاف یکسان بوده و عبارت کلیدی در آن «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا...» است. در این دو آیه عبارت‌های «أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا» و «فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» عباراتی مشابه در این دو دسته آیات هستند. زیرا به عدم خوف و ترس کسانی تاکید دارد که الله را «رب» خود دانسته و استقامت کرده‌اند. اگرچه این دو عبارت دال بر پاداش الهی بودن این استقامت دارد و قرائن لفظی دیگر مانند «أَبَشِرُوا بِالْجَنَّةِ» و «أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ» بر این امر صحنه می‌گذارند اما به‌نظر می‌رسد تعیین کنندگی اصلی معنای رب در عبارت «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا» در آیه ۲۹ فصلت و ۱۱ احقاف هستند که در مقابل «الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ» قرار دارند. در واقع سیاق این دسته آیات نشان می‌دهد کسانی که الله را «رب» خود دانسته‌اند در تقابل با کافران قرار دارند که ایمان به خداوند ندارند. پس مطلق خداوند در این دو آیه مدنظر است. لذا معنای «БОГ یا Господь» بهترین نشان‌دهنده تمامی اوصاف الهی موجود در الله است که برای مخاطب روسی ترجمه قرآن به کار می‌رود. زینالف و سایرین نیز از معادل «Господь» استفاده کرده‌اند (کراچکوفسکی، ۱۹۹۰، ذیل آیه؛ عثمانف، ۱۹۹۵؛ زینالف، ۲۰۱۵، ۴۸۰).

ب: رب پس از الله

همانطور که پیش‌تر اشاره شد در ۳۵ مورد «رب» پس از نام جلاله الله و در ترکیب‌های مختلف بیان شده است و به سه دسته تقسیم می‌شوند:

- ترکیب الله و رب (بدون هیچ پسوند یا پیشوند در رب) بدین صورت: «إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ» (مائده ۲۸/حشر ۱۶)؛ «تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» (اعراف ۵۴/غافر ۶۴)؛ «فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ» (انبیاء ۲۲)؛ «سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (نمل ۸)؛ «إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» (قصص ۳۰)؛ «أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» (تکویر ۲۹).

بررسی سیاقی تمامی ۸ مورد فوق بر معنای صاحب‌اختیار دلالت دارد که ازهری با عبارت «کان له رباً یكون» نام برده است (۱۹۶۷: ۱۷۶/۱۵). در سیاق دو آیه مائده ۲۸/حشر ۱۶ عبارت «أَخَافُ» یکی از قرائن لفظی به‌شمار می‌آید که نشانگر ترس بنده از مولا و صاحب‌اختیار خود است، زیرا آیه اول به داستان فرزندان آدم اشاره دارد که هابیل با توجه به ملکیت جان به خداوند، از تعرض به برادر خویش و کشتن او این عبارت را به‌کار برده

است و نیز در سیاق آیات قبل به ارائه قربانی به پیشگاه الله (آیه ۲۷) و در آیه پسین به جزای ظالمین توسط خداوند اشاره دارد که هر دو از لوازم صاحب اختیاری خداوند است و یکی از صفات الهی می‌باشد که به هنگام ترکیب با الله باید بدان توجه داشت. در دو آیه دیگر که عبارت «تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» وجود دارد، وجود قرآنی مانند «لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ» (اعراف ۵۴) و «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا» (غافر ۶۴) در سیاق آیه، سایر قرائن در سطح سیاق دسته آیات همچون اشاره به حی (غافر، ۶۲) و خالق بودن خداوند (غافر ۶۵؛ اعراف ۵۵) بر این صاحب اختیاری مطلق خداوند تاکید می‌ورزد. زیرا تنها خالق همیشه حی است که قدرت تصرف بر آفریدگان خود را دارد.

دو وجه تسبیح خداوند در دو آیه انبیاء ۲۲ و نمل ۸ نیز بر صاحب بودن خداوند اشاره شده است. قرینه لفظی «لَا يُسْئَلُ عَمَّا يَفْعَلُ» (انبیاء ۲۳) و نیز دوبار اشاره یکسان به داستان حضرت موسی به هنگام آتش آوردن برای اهل خود و به تبع آن ورود به وادی مقدس (نمل ۶-۸؛ قصص ۲۹-۳۱) بی ارتباط به وجه صاحب اختیار بودن خداوند بر همه امور و از جمله اهل حضرت موسی و خود ایشان نیست. که البته عبارت «يَشَاءُ اللَّهُ» در سیاق آیه ۲۹ سوره تکویر نیز موید دیگری بر این امر است. لذا برای این ۸ آیه معادل روسی «полновластный» مناسب است که البته طبق بررسی‌های پیشین هیچ‌یک از چهار مترجم مورد اشاره بدان توجهی نداشته و از همان دو معادل «Бог» و «Господь» استفاده کرده‌اند (کراچکوفسکی، ۱۹۹۰، ذیل آیه؛ عثمانف، ۱۹۹۵؛ پروخووا، ۲۰۰۸، ذیل آیه؛ زینالف، ۲۰۱۵، ۱۱۲).

- ترکیب الله و رب که به دو صورت «الحمد لله رب العالمین» و «الله رب العالمین» در ۸ آیه ذکر شده است: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (حمد ۱ / غافر ۶۵ / انعام ۴۵ / یونس ۱۰ / صافات ۱۸۲ / زمر ۷۵) و «لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (انعام ۱۶۲ / نمل ۴۶). در ۶ آیه که ترکیب «الحمد لله رب العالمین» ذکر شده است ترکیب سیاقی هر یک از آیات فوق قبل از واژه «رب» حمد خداوند را قرار داده و پس از آن واژه «عالمین» قرار گرفته است و بنظر می‌رسد بررسی این دو واژه کمک شایانی به درک معنای اصلی «رب» در این آیات دارد. سیاق آیات پیشین و پسین دال بر بخشش نعمت‌های الهی است حال چه از نوع رحمت باشد (برای مثال در آیات:) و چه از نوع مهلت‌دهی به برخی کافران (مانند آیات...) اما از آن رو که نعمت توسط خداوند بخشش یافته است پس حمد برای الله است و اوست که به بنده می‌آموزد چگونه حمد خدا را بگوید (طباطبایی،

۱۳۹۰: ۱/ ۳۲) کما اینکه این حمد در بیشتر موارد سیاق آیات پیشین و پسین با تسبیح خداوند همراه شده و علامه معتقد است در هیچ جای قرآن اطلاق حمد از سوی غیر خداوند به جز اندکی از بندگان خالص، وجود ندارد و همواره حمد از سوی خود خداوند بوده است زیرا غیر خدای تعالی هیچ موجودی به افعال جمیل او، و به جمال و کمال افعالش احاطه ندارد، و به هر وضعی که او را بستاید، به همان مقدار به او و صفاتش احاطه یافته است و او را محدود به حدود آن صفات دانسته، و به آن تقدیر اندازه گیری کرده، و حال آنکه خدای تعالی محدود بهیچ حدی نیست (همان، ۱: ۳۳). لذا حمد بدین خاطر است که نعمت به بنده داده شده است تا او به سوی مقصد خود حرکت کند اما از سیاق آیات برمی آید انتخاب مقصد با اوست و هدایت و پروراندن او به سوی مقصد از سمت خداوند متعال صورت می گیرد. همان گونه که در برخی آیات همچون آیت الکرسی به این نکته اشاره شده است «لا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (بقر، ۲۵۶).

سوی دیگر واژه «رب» کلمه عالمین قرار دارد که جمع عالم است. صاحب المیزان معنای این واژه را «آنچه ممکن است که با آن علم یافت» می داند که شامل تمامی موجودات می شود، هم تک تک موجودات را می توان عالم خواند، و هم صنف صنف انسانها که البته در قرآن معنای دوم مدنظر است و موید آن نیز همین است که «عالمین» در هر جای قرآن در همین معنا ذکر شده است. مانند آیه: (وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ: آل عمران، ۴۲) (تو را بر همه زنان عالمیان اصطفاء کرد)، و آیه «لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا: فرقان، ۱) (تا برای عالمیان بیم رسان باشد)، و آیه: (أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ؟ آیا به سر وقت گناه زشتی می روید، که قبل از شما احدی از عالمیان چنان کار نکرده است) (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱/۳۵). با توجه به مطالب ذکر شده سیاق در سه سطح نشان می دهد حمد از سوی خداوند مخصوص خداوند است که بندگان را در مقصدی که خود انتخاب کرده اند به کمال می رساند. لذا «رب» در اینجا باید در معنای «پروردگار» و یا «تربیت کننده» بازگردانی شود که این معادل در زبان روسی «воспитатель» است و هیچ یک از مترجمان روسی مورد اشاره در این پژوهش بدان توجهی ننموده اند (کراچکوفسکی، ۱۹۹۰، ذیل آیه؛ عثمانف، ۱۹۹۵؛ پروخووا، ۲۰۰۸، ذیل آیه؛ زینالف، ۲۰۱۵، ذیل آیه).

- ترکیب الله و رب همراه با ۳ ضمیر متکلم وحده و مع الغیر و جمع مذکر مخاطب که در ۱۹ آیه استعمال شده که ابتدا ترکیب های پرتکرار بررسی گردیده است:

الف- «ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ» (غافر ۶۲ و ۶۴ / یونس ۳ و ۳۲ / انعام ۱۰۲ / فاطر ۱۳ / زمر ۶)؛
«ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي» (شوری ۱۰):

بررسی سیاق‌های واژگانی، آیه و آیات در موارد فوق که کلیدواژه «ذَلِكُمُ اللَّهُ» در آن‌ها قرار دارد نشان می‌دهد تمامی آن‌ها با دو فعل «جعل» و «خلق» چه در سیاق آیه و چه در سیاق دسته آیات قرین هستند. برای مثال در سیاق آیه: یونس ۳ «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ» / غافر: ۶۲ «ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ» و ۶۴ «اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا وَ السَّمَاءَ بِنَاءً» / انعام ۱۰۲ «ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ» و همینطور سایر آیات بدین صورت که بدلیل تطویل بحث از ذکر تمامی آن‌ها اجتناب شده است. برآیند بحث این است که وجود این دو فعل اشاره به آفرینش و خلق نعمات الهی دارد که در طول مفهوم محوری آیه به زاویه‌ای از این آفرینش اشاره شده است. اما آن‌چه باعث می‌شود نتوان در اینجا تنها به جنبه خالق بودن «رب» همچون برخی آیات قبل اطمینان یافت وجود قرائن لفظی دیگری همچون «هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ» (انعام ۱۰۲)، «...لَمْ تَكُنْ لَهُ صَاحِبَةً...هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (انعام ۱۰۱)، «هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (شوری، ۹)، «لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ» (غافر ۶۱)، «يُدَبِّرُ الْأَمْرَ» (یونس ۳)، «مَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ» (یونس ۳۱)، تماماً دال بر مالکیت خداوند بر همه چیز دارد و به نظر میرسد این معنا نزدیک‌تر به مفهوم موردنظر «رب» در سیاق این آیات است. کمااینکه در کتب لغت بر این وجه اسمی واژه «رب» تاکید شده است (نک: ابن درید، ۱۹۶۷: ۱/ ۶۷؛ خلیل، ۱۴۱۰: ۸/ ۲۵۶؛ ابن انباری، ۱۴۱۲: ۸۱/۲). بر همین اساس معادل «مالک» و یا «سرپرست» برای واژه رب در آیات فوق محتمل‌تر است که در روسی معادل «владелец» برای آن قابل تعریف است. نکته‌ای که همچون سایر آیات پیشین در خصوص این واژه در ترجمه‌های روسی مورد توجه قرار نگرفته است (کراچکوفسکی، ۱۹۹۰، ذیل آیه؛ عثمانف، ۱۹۹۵؛ پروخووا، ۲۰۰۸، ذیل آیه؛ زینالف، ۲۰۱۵، ذیل آیه).

ب- «إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ...» (آل عمران ۵۱ / مریم ۳۶)؛ «اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَ رَبَّكُمْ» (مائده ۷۲ و ۱۱۷): ترکیب سیاق آیه و آمدن عبارت‌های «فَاعْبُدُوهُ» و «اعْبُدُوا» در این آیات و نیز عبارت‌ها و کلیدواژگان دیگری همچون «الْكَفْرَ» (آل عمران: ۵۲)، «لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ» (مائده ۷۳)، «اتَّخَذُونِي وَ أُمَّي إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ» (مائده ۱۱۶)، «مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَكَلٍ» (مریم ۳۵) در سیاق دسته آیات همگی بر دوگان عبادت و شرک دلالت دارد. لذا «رب» در اینجا بیشتر به معنای «معبود» نزدیک است که در مقابل آن کفر و شرک قرار گرفته

است. و البته معادل روسی آن و عدم توجه مترجمان روسی قرآن به این مهم پیشتر ذکر گردید.

ج- «تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ» (هود ۵۶):

علامه در ذیل این آیه و در توضیح معنای رب و البته بدون ذکر واژه سیاق، مفهومی محوری از آیه را توضیح می‌دهد که تا حدی روشن‌کننده معنای واژه است. ایشان با توجه به عبارت «فَكَيْدُونِي جَمِيعًا ثُمَّ لَا تُنظِرُونَ» در آیه قبل، توضیح می‌دهد حضرت هود در رفع این احتمال که کفار هیچ کاری نمی‌توانند بکنند عبارت «توکلت...» را فرموده بدین معنا که «من بر الله توکل دارم که مدبر امور من و شماست» (طباطبایی، ۱۰: ۴۴۸). افزون بر آن در ادامه آیه این عبارت که «مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا» دلالت بر تدبیر امور تمامی موجودات به دست خداوند است. افزون بر آن عبارت «إِنَّ رَبِّي عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ» در آیه پسین بر این تدبیر امور توسط خداوند اشاره دارد چراکه «رب» در این آیه جایگزین «الله» شده و بر مطلق خداوند اشاره دارد. کماینکه ابن فارس در جمع معانی ریشه «رب» معنای محوری این ریشه را تدبیر امور مخلوقات بیان کرده است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۲: ۳۸۱). لذا معادل «مدبر امور» یا «مصلح امور» به باطن واژه «رب» نزدیک‌تر بنظر میرسد و معادل روسی آن «исправляющий дел» است که البته مطابق رویه معمول در ترجمه های روسی، هیچ یک بدان توجهی نداشته‌اند (کراچکوفسکی، ۱۹۹۰، ذیل آیه؛ عثمانف، ۱۹۹۵؛ پروخووا، ۲۰۰۸، ذیل آیه؛ زینالف، ۲۰۱۵، ذیل آیه).

د- «لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي» (کهف ۳۸): وجود عبارت «لَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا» در سیاق آیه و نیز قرینه لفظی «أَكْفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ» در آیه پیشین بر مفهوم ضمنی عبادت دلالت دارد که معادل «معبود» برای «رب» به این مفهوم نزدیک است. این معادل برای آیات دیگری که ترکیب الله و رب را در خود دارند نیز قابل برداشت است. آیات مذکور این موارد هستند: «اللَّهُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ» (صافات ۱۲۶)؛ «وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ» (طلاق ۱)؛ «وَاللَّهُ رَبُّنَا» (انعام ۲۳)؛ «أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّنَا» (اعراف ۸۹)؛ «اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ» (شوری، ۱۵). در تمامی این موارد وجود قرائن لفظی همچون «مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ» (انعام، ۲۳)، «أَتَدْعُونَ بَعْلًا» (صافات، ۱۲۵) «وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ» (شوری ۱۶) و امثال آن در سیاق دسته آیات برای موارد فوق دال بر معادل «معبود» برای «رب» در سیاق این آیات است که البته پیش از این به هم‌ارز روسی آن و نقد ۴ ترجمه روسی اشاره گردید.

۲.۱.۳ رب در ترکیب جانشینی

واژه رب در اینجا منظور هنگامی است که به عنوان اسم خداوند به تنهایی استعمال شده است. پیش‌نیز اشاره گردید که کلمه «رب» (۹۷۱) بار در قرآن به کاررفته که صورت مفرد آن «۹۶۷» بار تکرار گردیده است (نک: عبدالباقی، ۱۴۲۰: صص ۲۹۰-۳۰۴).

به دلیل گستردگی سطح کاربرد واژه در قرآن و محدودیت جستار، مفرد این واژه که به تنهایی و بدون هم‌نشین ذکر شده در سطح دسته آیاتی که تاکنون مورد اشاره قرار گرفت، بررسی شده است. برای مثال در قسمت قبل اشاره شد که عبارت «إِنَّ رَبِّيَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ» در آیه ۵۷ سوره هود، به دلیل آن‌که واژه الله پیش از آن آمده است و مرجع اسمی واژه «رب» مشخص است باید از معادل «БОГ» یا خداوند استفاده کرد و معانی دیگر واژه «رب» کاربرد ندارد. زیرا در سیاق آیات پیشین وجود قرینه «أَنْتَ بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ» (آیه ۵۴) دال بر دوگان شرک و توحید دارد و در مقابل غیرخدا باید برای «رب» معنای خدا ذکر شود. مطابق این روش واژه «رب» در ترکیب جانشینی خود در ۳ دسته آیات قسمت الف ۳-۱-۱ (غافر، اعراف و یونس) مورد بررسی قرار گرفته است.

در آیه ۲۶ سوره غافر واژه «رب» بدون هم‌نشین ظاهر شده است: «وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَىٰ وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفُسَادَ» و در سیاق آیه با عبارت «وَلْيَدْعُ» (و ندا دهد) و در سیاق آیات، با عباراتی همچون «الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ» (کسانی که همراه او ایمان آورده اند) (۲۵) و «إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ» (۲۷) همراه شده که در این آیه نیز دوبار واژه «رب» تکرار شده است. دقت در معنای قرائن لفظی نشان می‌دهد مفهوم محوری پرستش خداوند با «ندادادن» و «ایمان آوردن» همراه و در تقابل با «تکبر» و «عدم ایمان» قرار گرفته است. هر دو سیاق دال بر «معبود» خوانده شدن خداوند دارد که البته می‌تواند به صورت خداوند مطلق نیز ذکر شود. هرچند قرائن معنای «معبود» بر خداوندگاری نیز دلالت دارد و می‌تواند به تنهایی استفاده شود.

در آیه ۵۵ سوره اعراف «ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» دستور به پرستش «رب» شده است و همانند آیات پیشین اشاره به عبودیت دارد که می‌تواند هر دو معنای «خداوند» و «معبود» را به ذهن متبادر سازد و استفاده از هریک به نظر بدون اشکال میرسد.

در آیه ۲ سوره یونس «أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَهُمْ قَدَمٌ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ مُبِينٌ» رب به صورت مفرد و همراه با ضمیر آمده است. قرائن لفظی در این آیه نیز همانند دو آیه پیشین است و در تقابل با کافران و همراه با کلیدواژگان «آمَنُوا» در سیاق آیه و «فَاعْبُدُوهُ»، «الَّذِينَ آمَنُوا» در دو آیه قبل و بعد معنای معبود و خداوند را بیش از پیش نمایان می سازد.

بررسی سیاقی این دسته آیات برای واژه «رب» در جانیشینی نیز نشان می دهد بهترین نوع ترجمه توجه به مفهوم محوری قرائنی است که در حول واژه قرار گرفته است و این بهترین راه برای حل چندمعنایی رب است. هرچند در سیاق جانیشینی، پرکاربردترین معادل همان مطلق خداوند است که در روسی معادل «БОГ» می باشد و البته در تمامی موارد مترجمان روسی از همین معادل استفاده کرده اند (کراچکوفسکی، ۱۹۹۰، ذیل آیات؛ عثمانف، ۱۹۹۵، آیات؛ پروخووا، ۲۰۰۸، ذیل آیات؛ زینالف، ۲۰۱۵، ذیل آیات).

۲.۳ وجه معنایی غیرتوحیدی

اصلی ترین نمود وجه غیرتوحیدی «رب» در سوره یوسف به کار گرفته شده است. اگرچه در سایر صورت های صرفی آن همچون «اریاب» (آل عمران: ۶۴۸۰؛ توبه: ۳۱)، «ریبون» (آل عمران: ۱۴۶) و ربانین (آل عمران، ۷۹) نیز بر معنای غیرتوحیدی ریشه رب ب دلالت دارد و مترجمان روسی قرآن به درستی به آن پرداخته اند (نک: کراچکوفسکی، ۱۹۹۰، ذیل آیات؛ عثمانف، ۱۹۹۵، آیات؛ پروخووا، ۲۰۰۸، ذیل آیات؛ زینالف، ۲۰۱۵، ۲۴۰ و ۶۸) اما واژه «رب» به صورت مفرد در وجه غیرتوحیدی خود در دو سوره انعام (آیات ۷۶-۷۸) به کاررفته که از زبان حضرت ابراهیم به هنگام محاجه با مشرکان بیان شده است و در سوره یوسف به هنگام یادکرد از پادشاه و عزیز مصر (در آیات ۴۱، ۴۲ و ۵۰) مورد استفاده قرار گرفته شده است. در سوره انعام و همچنین در آیات ۴۱ و ۵۰ و بخش اول آیه ۴۲ «وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ» کاربرد «رب» برای غیرخداوند مشکلی را در فهم معنای آیه ایجاد نکرده است و مترجمان درست معنا کرده اند، اما قسمت دوم آیه ۴۲ «فَأَنْسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السَّجْنِ بَضْعَ سِنِينَ» برخی مترجمان روسی قرآن و حتی برخی مفسران را به اشتباه واداشته و باعث گردیده مسأله عصمت حضرت یوسف ۷ مورد تردید قرار گیرد. این مسأله بخصوص در میان مفسران متقدم شایع تر است (برای مثال نک: مقاتل، ۱۴۲۳: ۳۰۵/۲؛ تستری، ۱۴۲۳: ۸۱/۱؛ فراء، ۱۹۸۰: ۴۶/۲؛ قمی، ۱۳۶۳: ۳۴۴/۱؛ ابن

قتیبه، ۱۴۱۱: ۱/ ۱۸۶). اما شوکانی که از متاخران است اعتقاد بسیاری از مفسران را این می‌داند که فراموشی توسط شیطان به یکی از آن دو جوان و نه حضرت یوسف برمیگردد (شوکانی، ۱۴۱۴: ۳/ ۳۵). اما در میان مترجمان، حتی زینالف که شیعه بوده و عصمت پیامبران در نزد ایشان از بدیهیات و ملزومات صفات پیامبری است؛ نسیان بر اثر تاثیر شیطان را به حضرت یوسف نسبت داده‌اند (زینالف، ۲۰۱۵، ۲۴۰؛ کراچکوفسکی، ۱۹۹۰، ذیل آیات؛ پروخووا، ۲۰۰۸، ذیل آیات) البته عثمانف در این مورد استثناء بوده و پیام آیه را دریافته است (نک عثمانف، ۱۹۹۵، ذیل آیه).

قطعاً نباید از اهمیت این اشتباه غافل گردید زیرا گناهکار بودن حضرت یوسف برای مخاطبانی بازگردانی شده است که در عهدین مشابه چنین سخنی را خواهند یافت. در هر روی به نظر می‌رسد این برداشت بی ارتباط به عدم توجه به شبکه سیاقی واژه نیست. زیرا در سیاق واژه ضمیر سوم شخص متصل به «رب» و نیز در سیاق آیه تمام ضمیرهایی که در جمله «فَأَنسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ» وجود دارد همگی به «الذی» برمیگردد که مربوط به رفیق زندانی حضرت یوسف بوده است (نک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۱/ ۲۴۶). در سیاق آیات پسین نیز واژه «ربه» برای آن شخص زندانی به کاررفته است «يَا صَاحِبِ السِّجْنِ أَمَا أَحَدُكُمَا فَيْسِقِي رَبِّهِ خَمْرًا...» ای دو زندانی، اما یکی از شما برای مولای خویش شراب ریزد... (آیتی، ۱۳۷۴، ۱: ۲۴۰). همچنین در سیاق سوره خداوند متعال حضرت یوسف را از مخلصین دانسته است (یوسف، ۲۴) که با توجه به وصف صورت گرفته از مخلصین در سیاق قرآنی یا همان مفهوم محوری مرتبط به بحث در کل قرآن، تصریح شده است که شیطان در مخلصین راه ندارد (حجر، ۴۰). با توجه به شواهد ذکر شده واژه «رب» در این آیه به معنای «سرور» و «مولا» است که معادل روسی آن «покровитель» می‌باشد.

۴. نتیجه‌گیری

واژه رب در قرآن کریم ۹۷۱ بار به کاررفته است. این واژه به لحاظ ریشه‌کاوی از ریشه «ربب» است که پس از طی چندین مرحله تطور معنایی به مفاهیمی مختلفی همچون بزرگ، زیاد، رئیس و اقتدار دلالت دارد. همچنین این واژه در برخی آیات به عنوان اسم خداوند به کار گرفته شده است و بر این اساس با مفاهیم توحیدی ارتباط مستقیم دارد و در برخی ترکیب‌های دستوری دیگر آیات برای مفهوم غیر الهی استفاده گردیده که با حوزه معنایی شرک در ارتباط بوده و به وجه غیر توحیدی آن در قرآن مرتبط است. لذا اهتمام ویژه

ای را در بازگردانی به سایر زبان‌ها می‌طلبد. در وجه توحیدی تمرکز بر بحث چندمعنایی «رب» بوده که دو محور «رب» در ترکیب هم‌نشینی و «رب» در ترکیب جانشینی دو بخش اصلی آن است و در بخش غیرتوحیدی، مبحث اصلی قسمت دوم آیه ۴۲ سوره یوسف است که پرچالش‌ترین بخش ترجمه «رب» در کاربرد وجه غیرتوحیدی خود در قرآن است. بررسی تمامی این موارد نشان می‌دهد برای ترجمه «رب» باید از سیاق در سه سطح کاربردی خود استفاده کرد و این مطلب در ترجمه‌های روسی قرآن لحاظ نشده و ایشان تمامی موارد را به «Бог и Господь» در معنای مطلق «خداوند» ترجمه کرده‌اند.

کتاب‌نامه

- قرآن کریم.
- آیتی، عبدالمحمد، (۱۳۷۴)، ترجمه قرآن، چاپ چهارم، تهران: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سروش.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۲۱ق)، المحکم و المحيط الأعظم، چاپ: اول، بیروت: بی‌نا.
- ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸م)، جمهرة اللغة، بیروت: دار العلم للملایین.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دارصادر، چاپ: سوم.
- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ق)، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، گردآورنده: طلبه، جمال، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
- ابن فارس، احمد بن فارس، (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، چاپ: اول، قم: بی‌نا.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۴۲۳ق)، تأویل مشکل القرآن، محقق: شمس‌الدین، ابراهیم، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
- ابوحیان اندلسی، محمد بن یوسف (۱۳۲۸)، البحر المحيط، قاهره: سعادت.
- ازهری، محمد بن احمد، (۱۴۲۱ق)، تهذیب اللغة، چاپ: اول، بیروت: بی‌نا.
- تستری، سهل بن عبدالله (۱۴۲۳)، تفسیر تستری، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- پاکتچی، احمد (۱۳۷۷)، گزارشی کوتاه درباره ترجمه‌های قرآن کریم به زبان روسی، علوم قرآن و حدیث، ترجمان وحی، ش ۳.
- همو (۱۳۷۶)، ترکیب‌های اضافی در ترجمه قرآن کریم، علوم قرآن و حدیث، ش ۱، صص ۱۲۱-۱۳۱.
- همو (۱۳۹۰)، ریشه‌شناسی واژه قیوم، مطالعات قرآن و حدیث، سال پنجم، شماره اول.
- جوهری فارابی، اسماعیل بن حماد (بی‌تا)، الصحاح، بی‌جا.
- حسینی محمود (۱۳۸۹)، بررسی مبانی فرامتنی چندمعنایی در قرآن کریم، مجله پژوهش و حوزه، شماره ۳۳.

تحلیلی بر بازنمود «رب» در ترجمه‌های روسی قرآن کریم ۳۷

خوانین زاده، محمود (۱۳۹۴)، معنانشناسی تاریخی واژه «رب»، پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، سال چهارم، شماره دوم، صص ۷۷-۱۲۰.

خوانین زاده و نجارزادگان (۱۳۹۳)، بازخوانی دیدگاه‌های دانشمندان مسلمان در معنا و اشتقاق «رب»، مطالعات قرآن و حدیث، سال هشتم، شماره اول، صص ۳۳-۶۷.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات أَلْفَاظِ الْقُرْآنِ، بیروت: دار القلم.

رجبی محمود (۱۳۸۵)، روش‌شناسی تفسیر قرآن، قم: سمت.

شجاعی، محسن (۱۳۹۰)، تاریخچه‌ی ترجمه قرآن به زبان روسی و مقایسه کوتاه ترجمه‌های موجود، صحیفه مبین، شماره ۵۰، صص ۶۸-۱۰۲.

شوکانی، محمد (۱۴۱۴)، فتح الغدیر، دمشق: دار ابن کثیر.

شیرزاد، محمدحسین، همکاران (۱۳۹۶)، چندمعنایی ریشه‌های «رب و/ربب» در قرآن کریم، مجله پژوهش‌های ادبی قرآنی، سال پنجم، شماره دوم.

صدر، محمد باقر (۱۹۷۸م)، دروس فی علم الاصول، دارالکتاب اللبنانی دار الکتب المصری، لبنان، مصر.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه‌ی الأعلمی للمطبوعات.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، مصحح: یزدی طباطبایی، فضل‌الله، تهران: ناصر خسرو.

طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

عبد الباقی، محمد فؤاد (۱۸۴۲)، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، دار الکتب المصریة.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، چاپ: دوم، قم: نشر هجرت.

فراء، یحیی بن زیاد (۱۹۸۰م)، معانی القرآن، محقق: نجاتی، احمد یوسف، قاهره: الهيئة المصریة العامة للکتاب.

قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱ش)، قاموس قرآن، چاپ: ششم، تهران: دار الکتب الاسلامیة.

قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳)، تفسیر قمی، قم: دار الکتب.

کردنژاد، نسرین (۱۳۸۹)، معنانشناسی واژه رب، مجله علمی-تخصصی حسنا، ش ۴.

مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ: اول، تهران: بی‌نا.

مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، محقق: شحاته، عبدالله محمود، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

نجمی، محمدصادق، هریسی، هاشم (۱۳۶۱)، شناخت قرآن، بی‌جا، بی‌نا.

Коран (смыслов и комментарии), Валерии Проховай(2008) Tehran: International publishing co, 7 edition.

Коран (превод академика), Крачовский (1990), Москва: Изд (Раритет).

Osmanof, M. N. (1995). Quran (Perevod c Arabski i Komentarii), Moscow.

